

شیوه‌های جذب جوانان به مسجد

عبدالرضا ضرابی

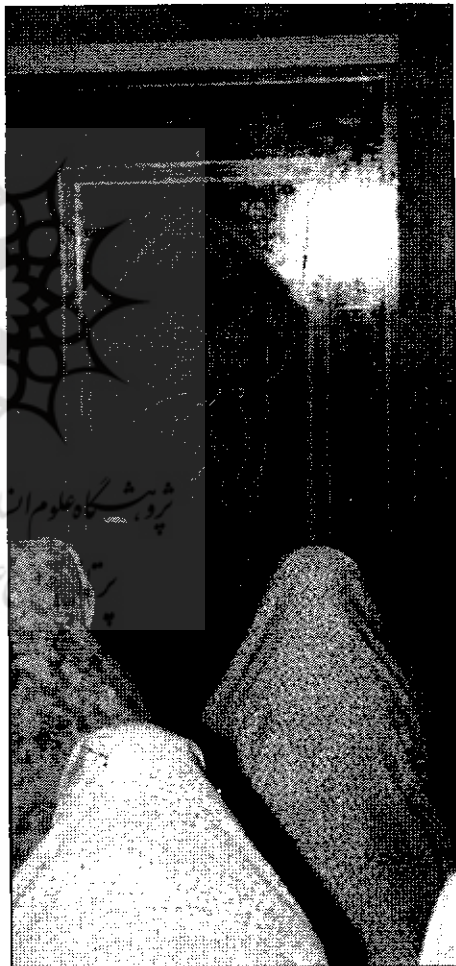
مقدمه:

نقل از مجله مسجد، شماره ۵۶

مشاهدات تجربی، اظهارات دست‌اندرکاران امور مساجد و مصاحبه‌های اکتشافی اولیه که با چند تن از مردم عادی و برخی از افراد فعال در مساجد انجام شده است، نشان می‌دهد که حضور مردم در مساجد نسبت به دوران انقلاب (۱۳۵۶-۱۳۵۷) و سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب (۱۳۵۸-۱۳۶۰) کاهش یافته است. بنابراین اکنون به طور جدی این سؤال مطرح است که علل این کاهش حضور چیست؟ چرا صفوف نماز جماعت خلوت است؟ چرا شور و نشاط اواخر دهه پنجاه، در مساجد دیده نمی‌شود، چرا از کتابخانه‌های مساجد، کلاس‌ها، سخنرانی‌ها و دیگر فعالیت‌های مساجد استقبال نمی‌شود؟

در تحلیل پدیده کاهش حضور در مساجد، اولین علت عمده‌ای که مطرح است، مقطعی بودن بعضی از نیازها در دوران رونق می‌باشد. طی دهه‌های چهل و پنجاه، به دنبال مجموعه‌ای از تحولات اجتماعی و فرهنگی، یک خواست و نیاز جمعی در میان مردم پدید آمد: "بر چیده شدن نظام شاهنشاهی و ایجاد حاکمیت اسلام". کاهش حضور در مساجد در دوره رکود نسبی، تا اندازه‌ای به این علت بود که با پیروزی انقلاب و تیز با خشی شدن بسیاری از توطئه‌های پس از انقلاب، نیازهای مذکور متفی شده بود.

برای این قسمت از تحلیل، نمی‌توان نتایج



دانشمندان دوران نوجوانی و به خصوص مرحله بلوغ را به دلیل ویژگی هایش، ولادتی تازه ذکر می کنند؛ به گونه ای که گویی رابطه ای بین نوجوان با دنیای سابقش وجود ندارد؛ دوره ای کاملاً مستقل و از لحاظ تجربه کاملاً متفاوت با گذشته.

این مرحله از حیات، سن خواستن، به شگفت آمدن، طرد و گاهی تمکین، سرفروید آوردن، نفی و انکار، حمله، سرکوب کردن و مبارزه است. به همراه رشد بدن، عواطف و احساسات گرم و آتشین نیز در آن پدید می آید. هم چنین، این سن دوران خودنمایی، غرور، بلندپروازی، استقلال طلبی، هیجان، بی قراری، افراط، تندروی و در عین حال خودشناسی و به خود آمدن است.

اسلام این نسل را از بزرگ ترین سرمایه ها تلقی کرده، از نیرویش در جهت خیر و سعادت استفاده کرده است. در زمان پیامبر (ص) از شور و نشاط جوانان و قدرت جسمی شان استفاده بسیاری می شد، و بسیاری از مشکلات جامعه اسلامی از طریق آنان رفع می گردید.

پیامبر اکرم (ص) از همان آغاز، توجهی بسیار به این نسل داشتند و با استفاده از زمینه فطری شان، کوشیدند آنان را با اصول اخلاقی و مذهبی آشنا کنند و به سوی خیر جهت دهند. در دوران پیش از هجرت، همین نوجوانان با نمایش برنامه مذهبی، نماز و دعایشان، مشرکان را به تعجب و ستوه آوردند. سعد بن مالک ۱۷ ساله، از مبارزان سرسخت مشرکان، نمونه ای از این جوانان است.

رسول خدا (ص) با ملاحظه شرط صلاحیت، ایمان، عقل، هوش، علم، اخلاق و تدبیرشان به برخی از آنان مسؤلیت هایی

کاربردی ارائه داد؛ زیرا نیازهای مقطعی یاد شده، مربوط به همان دوره خاص بود و نمی توان و نباید آن ها را در همان شکل سابق احیا کرد. اما یادآوری آن، این فایده را دارد که برخی از علل پدیده کاهش حضور را آشکار و قابل فهم می سازد.

بر مبنای این تحلیل، برای افزایش حضور مردم در مساجد، باید با مداخله در متغیرهایی که موجب تغییر در تعادل نیاز ارزشی مردم شده است، این تعادل را به سوی برتری نسبی نیازها و ارزش های جمعی و متعالی، هدایت کرد. اگر بتوانیم فاصله میان واقعیت ها و آرمان ها را کاهش دهیم، میزان فقر را به حداقل برسانیم، سطح انتظار مردم را از زندگی به گونه ای نسبی کاهش دهیم و نهادهای ارشادی و تبلیغی خود را فعال سازیم، به نتیجه خواهیم رسید.

مقاله حاضر، با عنایت به نقش مسجد در تربیت نسل جوان و پس از ارائه یک گزارش از پژوهشی که نگارنده در این زمینه انجام داده، در خصوص عوامل و شیوه های جذب جوانان به مسجد، راهکارهای عملی پیش نهاد کرده است.

پژوهشی درباره عوامل مؤثر در جذب نسل جوان به مسجد نسل جوان و ویژگی های آن

دوران نوجوانی و جوانی، هر کدام نسبت به دوره پیش از خود، مرحله مستقلی از حیات به حساب می آید؛ دوره ای که به علت وجود تمایلات متضاد، عده ای از دانشمندان آن را مبهم ترین دوران زندگی می شمارند. با همه بررسی ها و تجزیه و تحلیل هایی که در این زمینه شده است، باز هم نقاط مبهم و تاریک بسیاری در آن وجود دارد.



دفاع از جامعه و ارزش‌های انقلاب اسلامی باشند.

خطر مهم این است که بسیاری از نوجوانان و جوانان به علت بی‌بندوباری، هیجانات، بی‌قراری‌ها، افکار تند و بی‌حساب، وهم، خیال و طغیان، تن به افراط و تندروری می‌دهند یا به کارهای ناپسند، خطرآفرین و هولناک دست می‌زنند.

از سوی دیگر، اینان نیاز دارند به قدرت و اهمیت خود پی‌برند و خود را آن‌چنان که هستند، پذیرا شوند، محترم بشمارند و برای خود ارزش و کمال قائل شوند. آنان نیاز به مربیانی دارند که به صورت غیرمستقیم و البته گاهی نیز مستقیم، آنان را به خواست‌هایشان برسانند و به سوی هدف راهنمایی‌شان کنند.

توصیه اسلامی در ارتباط با طرز برخورد و طرز تلقی از نوجوانان و جوانان این است که آنان را باید همچون وزیر و مشاور برای خود برگزید، در کارها و حوادث آنان را همراه

می‌دادند. مصعب بن عمیر، نخستین مأمور و مبلغ اعزامی پیامبر (ص) به مدینه، جوانی کم‌سن و سال بود. عتاب جوان ۲۱ ساله، نخستین فرماندار مکه از سوی پیامبر (ص) پس از پیروزی اسلام بود. اسامه جوان ۱۸ ساله، فرمانده سپاه اسلام در جنگ با روم بود [قائمی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان].

این جوانان و افراد مشابه دیگر، از آغاز، خود را برای تحمل هرگونه آزار و شکنجه آماده کرده و برای دفاع از حریم اسلامی صف بسته بودند. این هنر رسول‌گرامی (ص) بود که توانستند از این قدرت‌ها و توانایی‌ها، برای عزت و سعادت اسلام و جامعه‌شان استفاده کنند و از هدر رفتن این نیروها جلوگیری نمایند. مرحله بلوغ و نوجوانی، فرصتی است بزرگ و طلایی که اگر در این دوران، جوانان نیکو پرورش یابند و موانع و مشکلات تربیت و هدایت از سر راهشان برداشته شود، می‌توانند نیرویی شگفت‌انگیز در خدمت سعادت خود و

معیار ارزش‌های زندگی توسعه می‌یابد و شخصیتشان بر همان اساس رشد می‌کند. برای آن که نوبالغان و جوانان به اخلاق حمیده و صفات پسندیده متخلق گردند، شخصیت آنان به خوبی و شایستگی رشد نماید و در نتیجه، به سعادت واقعی نایل شوند، لازم است همواره به سه نکته اساسی ذیل متوجه باشند.

ارزش ایام عمر

جوانان باید بدانند که هر روز از ایام زندگی آنان، به منزله یک واحد از مجموع تقد عمر آنان است. در نظر اولیای گرامی اسلام، خوشبختی و سعادت کامل نصیب کسانی می‌شود که از تمام لحظات عمر خود به درستی استفاده کنند و هر روز، به مقدار یک روز برکمال معنوی و رشد شخصیت انسانی خویش بیفزایند.



خویش و هم قدم خود به حساب آورد، و با مشاوره‌ها و هدایت‌ها آنان را به تدریج در حل مسائل و مشکلات یاری داد.

همه روان‌شناسان بین بلوغ و جهش ناگهانی احساسات مذهبی، رابطه‌ای قائلند و حتی می‌گویند: نهضت مذهبی در بین کسانی که از قبل نسبت به مذهب لاقید بودند دیده می‌شود؛ به طوری که تمایلات ایمانی و اخلاقی در آنان زنده می‌شود و علاقه‌مند می‌گردند تا از علل و مفاهیم آن با خبر شوند.

شکفته شدن تمایلات اخلاقی، آنان را به جست‌وجوی حق و پی‌بردن به حقیقت می‌فرستد، آنان را وامی‌دارد در این سن به تقوا و عبادت روی آورند، می‌کوشند درهای معرفت را به روی خود بگشایند و فطریات نهفته شده را در خود بیدار سازند. در این دوران، عشق به خدا در آنان شدت می‌یابد، احساس قلبی‌شان درباره خدا متفاوت می‌شود، جهش‌های عارفانه‌ای در آن‌ها پدید می‌آید و روابط انسان با خدا که برای آنان بی‌مفهوم بود در این سن مفهوم پیدا می‌کند.

به عقیده برخی از روان‌شناسان، این احساسات در حدود ۱۶ سالگی پیدا می‌شود. برخی دیگر، ۱۲ سالگی را سن آغاز آن ذکر کرده‌اند؛ با این تفاوت که با گذشت عمر، این احساسات تشدید می‌شود. البته، هر چه شدیدتر شود، تأثیر ایمان در افکار و اعمال بیشتر می‌گردد. [قائمی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان].

دوران بلوغ و ایام شباب برای نوبالغان و جوانان، دوره توجه شدید به ارزش اشیاء و زیبایی‌های زندگی در شئون مختلف مادی و معنوی است. بدین روی، اخلاق آنان مبتنی بر

ارزش‌های زندگی

در نظر بعضی از جوانان، علم، ایمان، فضیلت، تقوا، کار، کوشش و نظایر این‌ها، بزرگ‌ترین ارزش زندگی است. اینان شخصیت خود را بر وفق این ارزش‌ها می‌سازند، و سیمای اجتماعی خویش را با دست یافتن به آن‌ها می‌آرایند.

امام جواد (ع) از جدش، حضرت علی (ع)، نقل کردند که فرمودند: "قیمه کل امرء مایحسنة" (ارزش هر انسانی، آن چیزی است که وی را نیکو می‌کند) [مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۷، ۱۰۱].

جوانان موظفند با کمک تعالیم الهی و مریبان لایق، ارزش‌های واقعی و ثمربخش زندگی را به درستی تشخیص دهند، در انتخاب آن‌ها کمال دقت را معمول دارند، و بهترین ایام عمر را در راهی صرف کنند که سرانجام به آنان عز اجتماعی و سعادت انسانی می‌بخشد.

حدود ارزش‌های اخلاقی

نکته دیگری که در رشد صحیح شخصیت جوانان اهمیت بسیار دارد، شناخت اخلاق پسندیده و تمیز آن از صفات ناپسند است. برای آن که جوانان در فراگرفتن اخلاق پسندیده و رشد شخصیت به خطا نروند و دچار سیئات اخلاقی نشوند، لازم است همواره از تعالیم دینی و برنامه‌های علمی استفاده کنند و با کمک راهنمایان شایسته و مریبان لایق، در راه پرورش خلقیاتشان قدم بردارند.

وظیفه مریبان نسل جوان این است که برنامه پرورش جوانان را طوری تنظیم کنند که از طرفی، حاوی تمامی ارزش‌های: ایمانی، اخلاقی، علمی، عملی، جسمی، روانی، مادی و

معنوی باشد، و از طرف دیگر، کیفیت و کمیت مواد برنامه را طوری اندازه‌گیری کنند که اجرای آن برای جوانان سنگین و طاقت فرسا نباشد. وجد و نشاط آنان را در هم نشکند و به نیرو و قدرشان آسیب نرساند [فلسفی، گفتار فلسفی، ۴۶-۴۸].

در آیین مقدس اسلام، به توانایی و قدرت افراد و هم چنین رغبت و نشاط آنان در ادای وظایف عبادی و انجام برنامه‌های تربیتی، کاملاً توجه شده است. این مطلب، ضمن آیات و روایات متعددی صریحاً خاطر نشان گردیده است:

- "لا یکلف الله نفساً الا وسعها" (بقره ۲۸۶)
(خداوند به هیچ کس بیش از قدرت و توانایی‌اش، تکلیف نمی‌کند).

- "عن ابی عبدالله (ع): قال: "لا تکرهوا الی انفسکم العبادة" (امام صادق فرمودند: عبادت خدا را با بی میلی، به نفس خود تحمیل نکنید) [کلینی، اصول کافی، جلد ۲، ۸۶].

نیمی از پیروزی و موفقیت جوانان در رشد شخصیت و نیل به سعادت، بر عهده مریبان لایق و مرتبط با برنامه جامع و متناسبی است که برای آنان تنظیم می‌کنند؛ و نیم دیگر، بر عهده خود جوانان و مربوط به طرز عمل آنان در اجرای آن برنامه‌هاست.

وظیفه جوانان است که در راه رسیدن به ارزش‌های زندگی و تأمین خوشبختی‌های مادی و معنوی، از فرصت جوانی استفاده کنند، نیروی خود را با اندازه‌گیری صحیح در انجام وظایف مقرر و طبق برنامه تنظیم شده به کار اندازند و موجبات تعالی و رشد شخصیت خویش را از هر جهت فراهم آورند. جوانان در راه نیل به ارزش‌های مشروع

شیفته مطالب و مقالات تازه و سبک‌های نوین روزگار خودند. به سخنان جدید با کمال دقت گوش می‌دهند و درباره مطالب نو با علاقه فراوان گفت‌وگو می‌کنند [فلسفی، گفتار فلسفی، ۱۳۷].

وقتی پیشوای گرامی اسلام (ص) آیین جدید الهی و برنامه‌های نوین مذهبی خود را به مردم عرضه کردند و بزرگ‌ترین انقلاب سعادت بخش جهانی را پایه‌گذاری نمودند، جوانان با شور و گرمی وصف ناشدنی، به آن دین مقدس گرویدند و با رهبری پیامبر اکرم (ص) برای امحای عقاید غلط و ستن فاسد به پا خاستند. بر اثر مجاهده و کوشش پیگیر جوانان، در مدت کوتاهی محیط حجاز از آن همه پلیدی و ناپاکی تطهیر شد، و جامعه عقب افتاده به عالی‌ترین مدارج کمال رسید [فلسفی، گفتار فلسفی، ۱۳۷].

یکی از مسائلی که لازم است به آن دقت و توجه شود و دانستن آن برای نسل جوان ضرورت دارد، این است که صفات اخلاقی و عادات اکتسابی - که پایه اساسی و مایه اصلی شخصیت آدمی در ایام جوانی به شمار می‌رود - قابل تحول و تغییر است. به عبارت دیگر، تربیت‌های خوب و بد و عادات پسندیده یا ناپسندی که جوانان آن‌ها را در دوران کودکی و ایام بلوغ از محیط خانواده و اجتماع آموخته و بدان‌ها خو گرفته‌اند، تخلف‌ناپذیر و غیرقابل اجتناب نیست؛ بلکه در شرایط مخصوص و مساعد، ممکن است همه آن صفات تغییر کند و صفات و عادات تازه‌ای جایگزین آن‌ها گردد [فلسفی، گفتار فلسفی، ۱۴۲].

ناگفته نماند که عادات خوب و اخلاق پسندیده نیز مانند سیئات اخلاقی، تحول‌پذیر و

زندگی، باید مراعات اعتدال و اندازه‌گیری و بنمایند و از افراط و تفریط بپرهیزند. اولیای گرامی اسلام (ع) در برنامه‌های تربیتی خود، به این نکته عنایت کامل داشتند و پیروان خویش را در ادای تمام وظایف: علمی، عملی، اقتصادی، مادی و معنوی، از زیاده‌روی، افراط، مسامحه‌کاری و تفریط بر حذر می‌داشتند [فلسفی، گفتار فلسفی، ۵۳].

جوانانی که از برنامه‌های دینی و علمی بی‌نصیب مانده‌اند و جوانانی که مربی لایق نداشته یا داشته، ولی به دستورشان عملاً بی‌اعتنا بوده‌اند، همواره در معرض انحراف‌های اخلاقی و بیماری‌های روانی قرار دارند و احساسات پرشور و حساب نشده جوانی، آنان را به پرتگاه سقوط و تباهی سوق می‌دهد [فلسفی، گفتار فلسفی، ۶۰].

جوانان از یک طرف، به علت کمی سن، نارسایی عقل و نداشتن تجربه کافی، مردم را کم‌تر می‌شناسند و از نیرنگ‌های افراد خائن اطلاع ندارند. از طرف دیگر بر اثر این که فطرت پاک انسانی در نهادشان دست نخورده و سالم مانده است، به همه مردم با چشم خوش بینتی می‌نگرند و تمام افراد را پاک و منزه می‌پندارند. به علاوه، احساسات تند و افراطی، به آنان مجال بررسی و تحقیق نمی‌دهد و در کارها بی‌مطالعه تصمیم می‌گیرند [فلسفی، گفتار فلسفی، ۱۰۵].

یکی از تمایلاتی که در همه جوانان به طور طبیعی وجود دارد و روی شخصیتشان اثر می‌گذارد، علاقه به کارهای نو و افکار جدید است. جوانان، ناخواسته تمام ممیزات طبیعی، صفات ثابت دوران شباب و اوضاع و احوال اختصاصی زمان خود را منعکس می‌کنند. آنان



تشویق کرده است.

جوانان به سبب علایق مذهبی، در مجالسی شرکت می‌کنند که در آن، بحث و گفت و گو مطرح باشد. بدین رو، نقش سازمان‌های مذهبی، اجتماعات و به خصوص مساجد، در این زمینه می‌تواند سرنوشت ساز باشد. لذا هم براساس وظیفه انسانی و هم بر اساس تکلیف اسلامی، لازم است به هدایت و راهنمایی آنان پرداخت.

والدین به عنوان اولین مربیان جوان در محیط خانواده، مربیان مدارس در محیط مدرسه و متولیان و گردانندگان امور مساجد به عنوان سومین و عمومی‌ترین محیط و جامعه تربیتی، نقشی مهم و اساسی ایفا می‌کنند.

تکیه بر مساجد از یک سو به علت نقش تاریخی این پایگاه در زمینه تربیت و تعلیم، و از دیگر سو به دلیل جنبه دینی و مذهبی آن است. بنابراین، یکی از اساسی‌ترین وظایف والدین و مربیان، تشویق و ترغیب قولی و عملی جوانان و نوجوانان، به شرکت در برنامه‌های مساجد

قابل تغییر می‌باشد. بنابراین، جوانانی که بر اثر تربیت‌های صحیح والدین و مربیان شایسته خود، از دوران کودکی خوب و با فضیلت بار آمده‌اند، مغرور نباشند و گمان نکنند که خلیقات پسندیده‌شان به هر صورت و در هر شرایطی، باقی و پایدار می‌ماند و برای همیشه خوشبخت و سعادت‌مند خواهند بود؛ بلکه معاشرت‌های بد و محیط‌های فاسد، می‌تواند نتایج خوب دوران کودکی را نابود کند و خلق و خوی پسندیده‌شان را به عادات بد و صفات ناپسند تبدیل نماید [فلسفی، گفتار فلسفی، ۱۴۶].

مکتب آسمانی اسلام که تربیت صحیح و سعادت بخش خود را بر اساس احیای تمایلات عالی انسانی و تعدیل غرایز و خواهرهای نفسانی استوار نموده، به وسیله برنامه‌های علمی و عملی، از راه مراقبت در انجام فرایض دینی و تمرین وظایف عبادی و اخلاقی، پیروان خود را در احراز عادات پسندیده تقوا، مالکیت نفس و نیل به ملکات فاضله عدالت و اخلاق

است.

گزارشی از یک تحقیق

بی تردید، در زمینه نقش تربیتی مساجد، پژوهش‌هایی انجام گرفته و منابع متعددی منتشر شده است. اما آنچه توسط نگارنده انجام شده، پژوهشی است در زمینه برخی عوامل جذب جوانان به مسجد که با نظرخواهی از جوانان صورت گرفته و نتایج قابل توجهی به دست آمده است.

در این تحقیق، عوامل مورد نظر عبارت بودند از: امام جماعت، وضعیت ظاهری مسجد، کتابخانه مسجد، طولانی نشدن نماز جماعت، هیأت امنا و کانون فرهنگی مستقل در مسجد.

جامعه آماری این تحقیق ۴۳۸ نفر از جوانان مذهبی استان کرمان بودند که از طریق پرسشنامه پاسخ بسته، از آنان نظرخواهی شد.

نتایج به دست آمده پس از تجزیه و تحلیل آماری، نشان می‌دهد که اکثر جوانان، وضعیت ظاهری مساجد (نظافت ساختمان و امکانات مورد نیاز) را مهم‌ترین عامل جذب خود به مسجد می‌دانند. طولانی نشدن نمازهای جماعت، ویژگی‌های امام جماعت، کتابخانه، کانون‌های فرهنگی، و هیأت امنا به ترتیب در درجه بعدی از اهمیت قرار دارند. درجه بندی عوامل مزبور، بدین قرار است:

۱- وضعیت ظاهری مسجد (۸۱/۱ درصد)

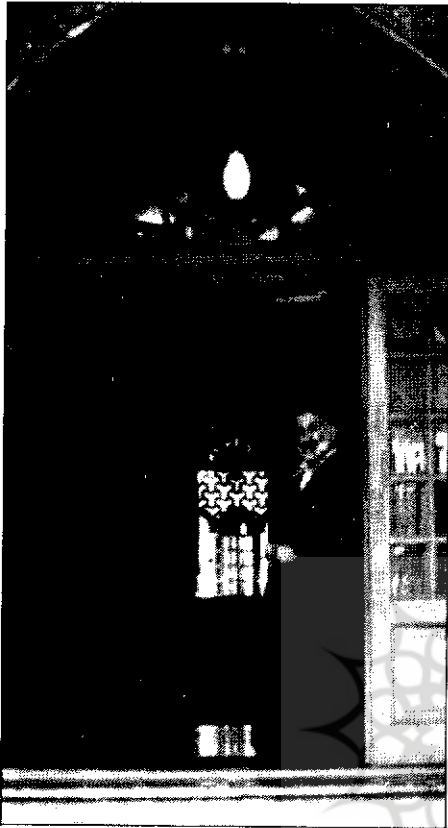
۲- طولانی نشدن نمازهای جماعت (۷۲/۲

درصد)

۳- امام جماعت مسجد (۶۹/۸ درصد)

۴- کتابخانه مسجد (۵۵/۶ درصد)

۵- فعالیت کانون‌های فرهنگی مساجد (۵۴



(درصد)

۶- هیأت امنای مسجد (۳۶/۶ درصد)

با توجه به نتایج مذکور و بررسی نتایج تحقیقات دیگری که در این خصوص انجام گرفته است، در مجموع، آهکارهای عملی ذیل برای جذب جوانان به مسجد پیش‌نهاد می‌شود.

نکات کاربردی و پیش‌نهادی

۱- توسعه و ارتقای فعالیت‌های فرهنگی و

سیاسی.

۲- افزودن بر جاذبه‌های مسجد؛ مانند:

برگزاری کلاس‌های هنری و علمی در

بیش تر از امکانات کتابخانه، می توان به برگزاری مسابقاتی همچون: کتاب خوانی، قصه نویسی و خلاصه نویسی کتاب اقدام کرد.

۷- بیان لطافت ها و ظرافت های نمازهای: پیامبر(ص)، ائمه اطهار(ع)، اصحاب و الابرارشان و علمای بزرگوار، و رعایت اختصار در نمازهای جماعت.

۸- معرفی نماز به عنوان عالی ترین، زیباترین و رساترین سپاس ها از پروردگار، در برابر نعمت های مادی که خداوند به ما عطا کرده است.

۹- بیان آثار معنوی نماز؛ مانند این که نماز موجب روشنی چشم رسول خدا(ص)، و سبب دوری انسان از فحشا و منکر است.

۱۰- تشویق و تحسین جوانان و نوجوانان نمازگزار با اعطای جایزه های متنوع.

۱۱- تبلیغات گسترده درباره نماز، و توجه فواید و ارزشمندی آن.

در پایان، بر این نکته مجدداً تأکید می شود که مساجد آن گاه خواهند توانست نقش تاریخی خود را در تربیت عبادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایفا کنند، که بتوانند مخاطبان خود، به ویژه نسل جوان را جذب و حفظ نمایند.

منابع:

- فلسفی، محمد تقی: گفتار فلسفی، هیأت نشر معارف اسلامی، تهران ۱۳۴۸.
- قاسمی، علی: شناخت، هدایت و تربیت جوانان، انتشارات امیری، تهران ۱۳۶۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب: اصول کافی.
- مجلسی، محمد باقر: بحارالانوار.
- ضرابی، عبدالرضا: "نقش و عملکرد مسجد در تربیت"، مجله معرفت، سال نهم، شماره اول، صفحه ۷۱-۷۵.

رشته های گوناگون، تأسیس مکان های مناسب ورزشی، دعوت از مربیان با تجربه برای آموزش، برگزاری اردوهای سیاحتی و زیارتی، نمایش فیلم و اجرای تئاتر با رعایت موازین اسلامی.

۳- تقویت مساجد از نظر امکانات ظاهری؛ مانند: رسیدگی به ساختمان مسجد، نظافت و امکانات گرمازا و سرمازا. از آن جا که در حال حاضر، بیش تر مساجد زیر نظر مرکز رسیدگی به امور مساجد اداره می شوند، این مرکز می تواند با همکاری نهادهای مستقر در استان ها و شهرستان ها، مانند اداره کل ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و پایگاه های بسیج، به تقویت مادی و معنوی مساجد همت گمارد.

۴- یکی از عوامل مهمی که بر اساس نتایج تحقیق، نقش تعیین کننده ای در جذب نسل جوان دارد، امام جماعت مسجد و ویژگی های اخلاقی و رفتاری وی در برخورد با نمازگزاران است. بنابراین، دقت در انتخاب امام جماعت با ویژگی های خاص، از نکات مهمی است که مرجع اعزام کننده باید مورد نظر قرار دهد.

۵- از عواملی که در جذب نسل جوان به مسجد نقش زیادی دارد، طولانی نشدن نمازهای جماعت است. امام جماعت با در نظر گرفتن این نکته که جذب و پس از آن حفظ جوانان در مسجد به ظرافت های خاصی نیاز دارد، باید تلاش کند تا رعایت حوصله و وقت نمازگزاران، به ویژه قشر جوان را بنماید.

۶- تشکیل و تقویت کتابخانه مناسب برای مسجد و در اختیار داشتن کتاب های مفید و متنوع، یکی دیگر از راهکارهای جذب جوانان به مسجد می باشد. برای جذب و استفاده